

این کتاب را همی نبی در حدود ۵۲۰ ق. م. نوشته است. در این زمان یهودیان از تبعید در بابل به سرزمین خود بازگشته و در اورشلیم مشغول بازسازی خانه خدا بودند. اما پیش از اینکه بازسازی خانه خدا تکمیل شود، مردم آن را نیمه‌کاره رها می‌کنند و به مسایل دیگر می‌پردازند. همسایگان براندیش یهودیان نیز با سفنان دروغ خود سعی می‌کنند آنان را دلسرد کنند و بترسانند. از طرف دیگر اردشیر پادشاه نیز دستور می‌دهد تا بازسازی خانه خدا متوقف شود. برخی از مردم یهود نیز لب به شکایت می‌کشایند که این ساختمان مانند ساختمان اصلی خانه خدا که سلیمان ساخته بود، زیبا و پرشکوه نخواهد بود. آنها به فکر ساختن خانه‌های زیبا برای خود می‌افتند و ساختمان خانه خدا را نیمه‌کاره می‌گذارند.

در نتیجه، فراوند خشکسالی می‌فرستد و محصول زمینهای آنان را از بین می‌برد. مردم فقیر می‌شوند و حتی لباس کافی ندارند تا خود را گرم کنند. در این زمان همی نبی با پیامی از جانب خداوند ظاهر می‌شود و یهودیان را ترغیب و تشویق می‌کند تا کار بازسازی خانه خدا را دوباره شروع کنند. فراوند به آنان می‌گوید که خانه خدا باید بزرگترین هدف آنان باشد و آنان باید سفت کار کنند تا ساختمان آن را تکمیل نمایند تا بتوانند مکانی برای عبادت داشته باشند. رویدادهای کتاب همی به فوئنده یادآور می‌شود که باید فراوند را بیش از هر چیز و هر کس دوست داشت.

دعوت به بازسازی خانه خدا

در سال دوم سلطنت داریوش، در روز اول ماه ششم، خداوند پیامی توسط حجی نبی برای زروبابل (پسر شلتانیل) حاکم یهودا، و برای یهوشع (پسر یهوصادق) کاهن اعظم، فرستاد.

خداوند قادر متعال به حجی نبی فرمود: «این قوم می‌گویند که اکنون وقت بازسازی خانه خدا نیست.» سپس، خداوند این پیام را توسط حجی نبی برای قوم فرستاد: «آیا این درست است که شما در خانه‌های نوساخته زندگی کنید ولی خانه من خراب بماند؟ به نتیجه کارهایتان نگاه کنید: بذر زیاد می‌کارید، ولی محصول کم برداشت می‌کنید؛ می‌خورید ولی سیر نمی‌شوید؛ می‌نوشید ولی تشنگی‌تان رفع نمی‌گردد؛ لباس می‌پوشید اما گرم نمی‌شوید؛ مزد می‌گیرید ولی گویی آن را در جیبهای سوراخدار می‌گذارید.

«خوب فکر کنید و ببینید چه کرده‌اید و نتیجه‌اش چه بوده است! حال به کوه رفته، چوب بیاورید و خانه مرا دوباره بسازید تا من از آن راضی شوم و در آنجا مردم احترام مرا بجا آورند.»

انتظار محصول فراوانی داشتید، اما خیلی کم بدست آوردید؛ و وقتی همان مقدار کم را هم به منزل آوردید، آن را از بین بردم. می‌دانید چرا؟ چون خانه من خراب مانده و شما فقط به فکر خانه‌های خود هستید.^۱ به همین علت است که آسمان نمی‌بارد و زمین محصول خود را نمی‌دهد.^{۱۱} من در سرزمین شما خشکسالی پدید آورده‌ام و این خشکسالی تمام کوهها، مزرعه‌ها، تاکستانها، باغهای زیتون و سایر محصولات و حتی انسان و حیوان و تمام حاصل دسترنج شما را فرا خواهد گرفت.»

آنگاه زروبابل و یهوشع و تمام کسانی که از اسارت برگشته بودند از خداوند ترسیدند و پیام حجی نبی را که خداوند، خدایشان به او داده بود اطاعت کردند.

سپس خداوند بار دیگر توسط نبی خود حجی به قوم فرمود: «من با شما هستم.»^{۱۲} خداوند در زروبابل و یهوشع و تمام قوم علاقه و اشتیاق ایجاد کرد تا خانه او را بسازند. پس، در سال دوم سلطنت داریوش در روز بیست و چهارم ماه ششم همه جمع شده، به بازسازی خانه خداوند قادر متعال، خدای خود پرداختند.

خوراک دیگری تماس پیدا کند، آیا آن خوراک مقدس می‌شود؟»

وقتی حجی از کاهنان این سؤال را کرد آنها جواب دادند: «نه، مقدس نمی‌شود؟»

^{۱۳} سپس حجی پرسید: «و اما اگر شخصی به جسد مرده‌ای دست بزند و بدین ترتیب شرعاً نجس شود و بعد به یکی از این خوراکیها دست بزند، آیا آن خوراک نجس می‌شود؟»

کاهنان جواب دادند: «بلی، نجس می‌شود.»

^{۱۴} پس حجی گفت: «خداوند می‌فرماید شما نیز در نظر من همینطور نجس هستید و هرکاری که می‌کنید و هر قربانی که به خانه من می‌آورید، نجس است.»

وعدۀ برکت

^{۱۵} خداوند می‌فرماید: «خوب فکر کنید و ببینید قبل از اینکه دست به کار ساختن خانه خداوند بزنید وضع شما چگونه بود. ^{۱۶} در آن روزها وقتی انتظار داشتید دو خروار محصول برداشت کنید، فقط نصف آن به دستتان می‌رسید، و هنگامی که به امید پنجاه لیتر شراب به سراغ خمره‌هایتان می‌رفتید، بیشتر از بیست لیتر نمی‌یافتید. ^{۱۷} من محصولات شما را با باد سوزان، آفت و تگرگ از بین بردم، اما با وجود همه اینها بسوی من بازگشت نکردید. ^{۱۸} ولی از امروز که روز بیست و چهارم ماه نهم و روزی است که بنیاد خانه خدا گذاشته شده است، ببینید من برای شما چه خواهم کرد. ^{۱۹} اگر چه غله‌ای در انبارها باقی نمانده، و هنوز درختان انگور، انجیر، انار و زیتون میوه نداده‌اند، ولی من به شما برکت خواهم داد.»

وعدۀ خداوند به زروبابل

^{۲۰} در همان روز پیام دیگری از جانب خداوند به حجی رسید:

^{۲۱} «به زروبابل، حاکم یهودا بگو که بزودی آسمانها و زمین را به لرزه درمی‌آورم، ^{۲۲} تختهای فرمانروایان را واژگون می‌سازم و قدرت آنان را از بین می‌برم. عرابه‌ها و سواران را سرنگون می‌کنم، و اسبها کشته می‌شوند و سوارانشان یکدیگر را با شمشیر از پای

شکوه خانه خدا

۲ در روز بیست و یکم ماه هفتم همان سال، خداوند به حجی گفت:

^۳ «از حاکم و کاهن اعظم و همه قوم این سؤال را بکن: آیا کسی در بین شما هست که شکوه و عظمت خانه خدا را آنطوری که در سابق بود به خاطر آورد؟ آیا این خانه‌ای که می‌سازید در مقایسه با خانه قبلی به نظر شما ناچیز نمی‌آید؟»

^۴ هر چند به ظاهر چنین است اما مایوس نشوید. ای زروبابل و یهوشع و همه قوم، قوی دل باشید و کار کنید، چون من با شما هستم. وقتی از مصر بیرون می‌آمدید به شما وعده دادم که روح من در میان شما می‌ماند؛ پس ترسان نباشید!»

^۵ خداوند قادر متعال می‌فرماید: «بزودی آسمانها و زمین، دریاها و خشکی را به لرزه در می‌آورم. تمام قوم‌ها را سرنگون می‌کنم، و ثروت آنها به این خانه سرازیر می‌شود* و من این محل را با جلال خود پر می‌سازم. تمام طلا و نقره دنیا از آن من است. شکوه و عظمت آینده این خانه از شکوه و عظمت خانه قبلی بیشتر خواهد بود و در این مکان به قوم خود صلح و سلامتی خواهم بخشید.» این است آنچه خداوند قادر متعال می‌فرماید.

سؤال حجی از کاهنان

^{۱۰} در روز بیست و چهارم ماه نهم از دومین سال سلطنت داریوش، این پیام از جانب خداوند قادر متعال به حجی نبی نازل شد:

^{۱۱} «از کاهنان بخواه تا جواب شرعی این سؤال را بدهند: ^{۱۲} اگر کسی قسمتی از گوشت مقدس قربانی را در دامن ردایش گذاشته آن را حمل کند و برحسب اتفاق ردایش با نان، آش، شراب، روغن و یا هر نوع

* «ثروت آنها به این خانه سرازیر می‌شود» یا «آرزوی آنها به این خانه فواید آرد». جمله «روم، بنظر برخی مفسرین اشاره است به ظهور مسیح موعود».

درمی‌آورند. اما^{۳۳} وقتی که این برگزیده‌ام، این است آنچه خداوند قادر متعال می‌فرماید.

امور واقع گردد، ای زروبابل، خدمتگزار من، تو برای من مانند نگین انگشتر خواهی بود، زیرا تو را